

بر خورد کوتاه

۱۵ منتقد ۲۵ نقد

یاسی طبری

www.ketab.ir

سرشناسه: نطنزی، یحیی، ۱۳۶۲ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: برخورد کوتاه : ۲۵ منتقد ۲۵ نقد / [گردآورنده] یحیی نطنزی.
مشخصات نشر: تهران : حرفه هنرمند، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۹-۴۲-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: سینما - نقد و تفسیر
رده بندی کنگ: ۱۳۹۴ الف/۵/۱۹۹۳ PN
رده بندی دیویی: ۷۹۱/۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی: ۱۰۵/۱۳



برخورد کوتاه (۲۵ منتقد، ۲۵ نقد)

یحیی نطنزی

ناشر: حرفه هنرمند

طراح گرافیک و جلد: سعید قره‌خانی

چاپ و صحافی: طیف‌نگار

چاپ اول: بهار ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۲۰۰ جلد

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه‌ی مکتوب از ناشر ممنوع است.

نشانی: تهران صندوق پستی ۱۸۹۵-۱۶۳۱۵ تلفن: ۸۸۸۱۲۸۴۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۹-۴۲-۶

www.nashr.herfeh-honarmand.com Email:nashr.tavakoli@gmail.com

۶	پیش گفتار
۱۴	پرویز نوری (روانی)
۲۴	خسرو دهقان (رگیار)
۳۴	بهرروز تورانی (جاده)
۴۶	احمد امینی (راه)
۶۰	مسعود فراستی (سرب)
۷۶	ایرج کریمی (النا)
۹۰	احمد طالبی (ماف)
۱۰۰	روبرت صحرانی (ده)
۱۱۲	هوشنگ گلیمانی (پی برار اصل)
۱۲۶	حمیدرضا صدر (مخبرای تهران: راز اسب شاخدار)
۱۴۴	جواد طوسی (مادر)
۱۵۸	صفی یزدانیان (پول توجیبی)
۱۷۲	شهرام جعفری نژاد (هملت)
۱۹۰	مجید اسلامی (پیش از نیمه شب)
۲۰۲	آنتونیا شرکا (سربه مهر)
۲۱۲	حسن حسینی (پدیدار شناخت فیلم های هزار و یک شبی هالیوود)
۲۴۰	مجید بسطامی (قهرمان)
۲۶۰	آرش خوش خو (ویدئوی بنی)
۲۷۰	سعید عقیقی (مهمان مامان)
۲۸۲	مهرزاد دانش (تاوان)
۲۹۶	نغمه ثمینی (درباره الی...)
۳۱۴	حسین معززی نیا (بچه ی رزمی)
۳۳۰	امیر پوریا (انی هال)
۳۴۲	نیما حسینی نسب (نفس عمیق)
۳۵۸	محسن آزر م (دو روز، یک شب)

کتابی که در پیش رو دارید چشم‌انداز گذشته و حال نقد فیلم در سینمای ایران است. چشم‌انداز پرفراز و نشیب و متنوعی که بررسی و مرورش علاوه بر اینکه ما را به درک نسبتاً دقیقی از وضعیت نقد فیلم در ایران می‌رساند، شناخت‌مان از منتقدانی که در نوشتن نقدهای پرشمار چند دهه‌ی گذشته‌ی سهمی تعیین‌کننده داشته‌اند بالا می‌برد؛ منتقدانی که بدون توجه به ایده‌ها و نظرات آنها درباره‌ی تعریف نقدنویسی، ضرورت‌های آن و ویژگی‌ها و آسیب‌هایش، نمی‌شود به قضاوت درستی از مفهوم و کارکرد نقد فیلم در ایران رسید. نقدنویسی در سال‌های اخیر با اتهام‌های زیادی مواجه بوده است. از یک طرف به دلیل رشد رسانه‌های چاپی و مجازی حجم نقدهایی که در مورد فیلم‌ها نوشته می‌شود افزایش یافته و از طرف دیگر، حواله‌ها و تردیدهایی در مورد میزان تأثیرگذاری و کارایی آن مطرح شده است. حضور منتقدان در برنامه‌های تلویزیونی پرمخاطب و اظهار نظرهای چالش‌برانگیزشان درباره‌ی فیلم‌ها و فیلم‌سازان، هم باعث شده توجه فزاینده‌ای به نقدنویسی از سوی سینمادوستان شکل بگیرد؛ توجهی که علاوه بر محدود به خوانندگان مجلات و روزنامه‌ها نیست و شامل بینندگان برنامه‌های تلویزیونی، کاربران سایت‌های اینترنتی هم می‌شود. در دورانی به سر می‌بریم که به لطف سهولت استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دسترسی آسان به همه‌ی فیلم‌های سینمایی دیگر منتقد صرفاً آدمی نیست که از موقعیتی محدود برای تماشای یک فیلم سینمایی استفاده می‌کند و از امکان انتشار آن در رسانه‌های پرمخاطب یا کم‌مخاطب بهره می‌برد. حالا دیگر هر کسی می‌تواند بعد از تماشای هر فیلمی اظهار نظر خود را در کمترین زمان ممکن به اطلاع دوستان مجازی‌اش برساند و واکنش‌های سریعی هم دریافت کند. هر چند اگر بپذیریم هر اظهار نظری که در نشریات سینمایی چاپ و توزیع شود الزاماً نقد فیلم نیست، پس یقیناً هر کسی که می‌تواند یا می‌خواهد نظرش را درباره‌ی فیلمی سینمایی به اطلاع بقیه برساند هم منتقد نیست. نقدنویسی و رسیدن به مقام منتقد فیلم آسان نیست. دارد که در کتاب پیش‌رو سعی شده بخش زیادی از آنها تشریح و تبیین شود. توضیح رونق‌بخش تئوری کتاب و ساختار آن این هدف‌گذاری را بیشتر مشخص می‌کند.

اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ بعد از هم‌فکری با حسین معززینیا، سردبیر ماهنامه‌ی ۲۴، و سایر اعضای تحریریه قرار شد مسئول راه‌اندازی بخشی در مجله بشوم به اسم «گفت‌وگو با منتقد». این بخش از طریق مصاحبه با منتقدان شناخته‌شده و صاحب‌قلم سینمای ایران سه هدف اصلی را دنبال می‌کرد:

۱- معرفی و شناخت منتقد مورد نظر از خلال پرسش‌هایی که ناظر به سلیقه و پیشینه‌ی نوشتاری او بودند.

۲- انتقال مبانی آموزشی نقد فیلم و روش‌های عملی آن با تمرکز بر سبک نگارشی هر منتقد

و دیدگاهش در مورد تعریف و ماهیت نقدنویسی.

۳- ارائه‌ی چشم‌اندازی کلی از وضعیت نقد فیلم در ایران از زبان منتقدان و نویسندگانی که سال‌ها با نوشتن درباره‌ی فیلم‌های ایرانی و خارجی برای خودشان کسب اعتبار کرده بودند. از همان ابتدا می‌دانستیم مهم‌ترین چالش در مسیر رسیدن به این اهداف، تفاوت بارز روحیات و خلیات منتقدانی است که جهان‌بینی سینمایی خودشان را دارند و از مدل نوشتاری و تحلیلی ثابتی پیروی نمی‌کنند. جریان نقد فیلم در ایران بر پایه‌ی مناسبات و روش‌های آکادمیک و علمی شکل نگرفته و همانطور که در برخی از گفت‌وگوهای کتاب می‌خوانید افراد بسته بر بستری که در آن قرار گرفته‌اند یا علاقه‌ای که به آن بها داده‌اند آرام آرام و بعضاً اتفاقی در مورد فیلم‌ها دست به قلم شده‌اند. به همین دلیل معقول نبود با رویکرد واحدی سراغ همه‌ی منتقدها برویم و پرسش‌های نسبتاً مشخصی درباره‌ی تعریف نقد فیلم و وضعیت آن در سینمای ایران با آنها در میان بگذاریم. این کار فارغ از اینکه نمی‌توانست ما را در ترسیم چهره‌ی آن منتقدان برای خواننده و رسیدن به یکی از اهداف مهم‌مان موفق کند، می‌توانست مسیر پروژه را به سمت مباحث‌های بی‌انعطاف و نه‌چندان جذابی ببرد که حرف‌های تکراری در آن زده می‌شود و کمتر کسی به آن اعتراض می‌کند آنها را تا پایان دنبال کند. اصرار بر ترسیم و تبیین شخصیت منتقدها به این دلیل اهمیت داشت که نمی‌شود تاریخ نقد فیلم در ایران را بدون سازندگان آن تصور کرد و از سمت کسانی که با مطالب خود خشت‌های این بنای نحیف را کنار هم قرار داده‌اند چشم پوشید. همانطور که تاریخ‌نگاری بدون توصیف و تشریح خلق و خوی دولت‌مردان و سیاست‌مداران کاری خشک و بی‌انطاف می‌شود بررسی گذشته و حال نقد فیلم هم تنها با در نظر گرفتن دیدگاه‌ها، رویکردها و همین‌طور شخصیت منتقدان به نتیجه‌ای مطلوب می‌رسد. به همین دلیل در طراحی پرسش‌هایی که سعی شد از دریچه‌ی واکاوی شخصیت و روحیات منتقدها به دیدگاه‌ها و تعاریف آنها در مورد نقد فیلم برسیم و تا حد ممکن به اهداف مورد نظر پایبند بمانیم. لحن متفاوت گفت‌وگوها را توانا آن‌ها میان طنز و جدیت معلول این تصمیم بوده است. به همین دلیل تلاش شده نکته‌ی سنجی مجید اسلامی، طنز خسرو دهقان، صراحت مسعود فراستی، جامع‌نگری هوشنگ گل‌مکانی، صداقت حمیدرضا صدر، واقع‌بینی ایرج کریمی و خصوصیات بارز سایر منتقدان در گفت‌وگوها لحاظ شود و نتیجه تا حد ممکن روحیه و خلق و قوی آنها را برای خواننده منعکس کند.

روند انتشار این گفت‌وگوها در مجله‌ی ۲۴ تا آذرماه ۱۳۹۱ ادامه یافت. در این مدت با ۱۹ منتقد از نسل‌های مختلف گفت‌وگو شد. بعد از تصمیم به انتشار آنها به صورت کتاب پنج مصاحبه‌ی جدید هم با احمد امینی، حسین معززی‌نیا، مهرزاد دانش، آنتونیا شرکا و محسن آرم به مجموعه اضافه شد تا هم ترکیب منتقدها کامل‌تر شود و هم حتماً نمایندگان از

نسل‌های مختلف در آن وجود داشته باشند. اما هنوز برای رسیدن به کیفیت مطلوب در قالب کتاب چند پله فاصله بود. به‌همین دلیل تصمیم گرفتم علاوه بر گفت‌وگوها بخش‌های دیگری را هم به ترکیب نهایی اضافه کنم. مهم‌ترین بخش، قرار گرفتن یک نقد برگزیده از هر منتقد کنار مصاحبه‌اش بود که از دید او می‌توانست به عنوان یک متن نمونه‌ای و شاخص در کارنامه‌ی نوشتاری‌اش به حساب بیاید و به عنوان یک نقد سینمایی، قابل دفاع باشد. بهترین روش برای انتخاب این نقدهای منتخب هم کمک گرفتن از خود منتقدها بود. به‌همین دلیل از همه‌ی آنها خواسته شد با توجه به معیارهای مورد نظر کتاب، یک مطلب را که از نظرشان می‌تواند واجد کیفیت‌های ایده‌آل یک نقد سینمایی باشد معرفی کنند تا در کنار مصاحبه‌شان کار شود و البته با نوشتن متنی کوتاه دلیل انتخاب آن نقد را توضیح بدهند. نوشتن این مقدمه‌های کوتاه برای نقدها باعث می‌شد خواننده راحت‌تر با نقدها ارتباط برقرار کند و از نیت‌ها و انگیزه‌هایی که منتهی به انتخاب آن شده‌اند مطلع بشود.

درخواستم از منتقدان برای انتخاب این نوشته‌ها با واکنش‌های بسیار متفاوتی از سوی آنها مواجه شد. عده‌ای مثل جواد طوسی و احمد طالبی‌نژاد ترجیح دادند به سراغ مطالب قدیمی‌ترشان بروند و عده‌ای دیگر مثل هوشنگ گلمکانی و ایرج کریمی تصمیم گرفتند متن مورد نظر را از بین مطالب جدیدترشان انتخاب کنند؛ با این فرض که نوشته‌های اخیرشان بیشتر به سلیقه و دیدگاهشان در نقدنویسی نزدیک است. عده‌ای دیگر هم مثل امیر پوریا و محسن آزمون تصمیم گرفتند اختصاصاً برای این کتاب دست به قلم بشوند و مطلب جدیدی برای آن بنویسند. حاصل کار با تمام تفاوت‌ها و تسایره‌ها بالا در این کتاب کنار هم قرار گرفته و خواننده با مطالعه‌ی نقدها بعد از هر گفت‌وگو می‌تواند ساخت خود را از آن منتقد و شیوه‌ها و نگرش‌های نگارشی‌اش کامل کند. بعضی از این نقدها شاید از دید بیرونی بهترین نوشته‌های صاحبان‌شان نباشند. اما چون خود منتقدها در انتخاب آنها به صورت مستقیم سهیم بوده‌اند حتماً از دید آنها و در زمان آماده کردن کتاب نوشته‌ای را که تنها محسوب شده‌اند که این خودش می‌تواند یکی از ویژگی‌های مجموعه به حساب بیاید. چون نقدها هم مانند مصاحبه‌ها چشم‌انداز خواننده را در مورد سوره‌های منتخب دقیق و روشن می‌کند.

در کنار این گفت‌وگو، مقدمه‌ی نقد و نقد برگزیده، از هر منتقد خواسته شده ده فیلم برتر عمرش را هم برای انتشار در کتاب معرفی کند. این بخش در ابتدا قرار بود فقط مختص فیلم‌های خارجی باشد. اما با پیشنهاد خوب هوشنگ گلمکانی قرار شد منتقدان فهرستی از فیلم‌های برتر عمرشان را به طور کلی معرفی کنند؛ با این فرض که در صورت تمایل فیلم‌های ایرانی هم می‌توانند به فهرست‌شان راه یابند. در ایران از مدت‌ها پیش بر اساس سنتی نه چندان مرسوم، رسم بر این بوده که برای چنین فهرست‌هایی میان فیلم‌های خارجی و ایرانی

تمایز قائل می‌شود و منتقدان معمولاً فیلم‌های ایرانی محبوب‌شان را در کنار آثار شاخص سینمای دنیا قرار نمی‌دهند. اما این سنت، در میان منتقدان بین‌المللی موضوعیت ندارد و در هیچ نشریه یا کتاب معتبری به این صورت عمل نمی‌شود. فهرست بهترین فیلم‌های عمر تعریف مشخصی دارد و شامل همه‌ی فیلم‌هایی می‌شود که منتقد آنها را بدون لحاظ کشور سازنده‌شان تماشا کرده است. به‌همین دلیل از منتقدانی که در این کتاب حاضرند هم خواسته شد بی‌توجه به آن سنت نه چندان موجه، اگر واقعاً برای فیلمی ایرانی شأن و منزلتی در حد یکی از آثار بزرگ سینما قائل‌اند آن را در فهرست خود بگنجانند. این کار که برای اولین بار در چنین سطحی انجام شده نتیجه‌ی جذابی هم داشته است که با تورق کتاب آن را مشاهده می‌کنید.

بعضی از منتقدان سینمای ایران در این فهرست جایی ندارند. تعدادی از آنها مثل پرویز دوابی، امیر روی و کلبیز کاهه خودشان به دلایلی بیشتر شخصی از گفت‌وگو و انتخاب نقد برگزیده صرف‌نظر کردند. آقای دوابی که احتمالاً خیلی از خوانندگان کتاب هم مثل نگارنده دوست داشت، در این کتاب حضور داشته باشند، حتی بعد از پیش رفتن بخشی از کار، از انتشار حرف‌هایشان پشیمان شدند. نقد معروف ایشان درباره‌ی فیلم *سرگیزچه* به دلیل حجم بالایش مناسب انتشار در این کتاب نبود. به همین دلیل ضمن نام بردن از نقد خوب *تریستانای بونوئل* که به خاطرش فیلم را هفت بار دیده بودند، نقد فیلم *جنون الفرد* هیچکاک را انتخاب کردند. برای فهرست بهترین فیلم‌های عمر هم توجه ویژه‌ای به فیلم *دزد بغداد* (نسخه‌ی ۱۹۴۰) داشتند و آن را اثری معجزه‌آسا می‌دانستند که هیچ وقت از تماشایش سیر نمی‌شوند. اما در نهایت به این دلیل که سال‌ها بود از فعالیت فیلم ایران فاصله گرفته بودند ترجیح دادند موضع‌گیری رسمی‌ای در مورد آن نداشته باشند. هر چند به من اجازه دادند همین اطلاعات اندک را هم در مقدمه‌ی کتاب ذکر کنم. در کتابی مثل *مازیار اسلامی* هم چون بیشتر به عنوان مدرس، مترجم و نظریه‌پرداز سینمایی شناخته می‌شوند در ترکیب فعلی کتاب حضور ندارند. ناگفته نماند چند نفر هم به دلیل اینکه حاضر شدند در چارچوب تعریف‌شده برای کتاب به مصاحبه و انتخاب نقد برگزیده تن بدهند در ترکیب جای نگرفته‌اند. با این حال در این ترکیب، که سعی شده به ترتیب شروع فعالیت نوشتاری مرتب شود، نمایندگان شاخصی از چند دوره‌ی نقدنویسی در سینمای ایران وجود دارند؛ نمایندگانی که از دهه‌ی ۱۳۴۰ تاکنون در پربارشدن ادبیات سینمایی ایران نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده‌اند. نباید فراموش کرد که در قید حیات بودن منتقد هم در انتخاب آنها برای مشارکت در تکمیل کتاب لحاظ شده است و به همین دلیل منتقدانی که فوت کرده‌اند به این دلیل که امکان مصاحبه با آنها وجود نداشته است از گزینه‌های منتخب کنار گذاشته‌اند.

انتشار این کتاب هم می‌تواند به برطرف‌شدن برخی از سوء تفاهم‌ها در مورد نقد فیلم در ایران دامن بزند و هم سوء تفاهم‌های جدیدی را پیش بیاورد. می‌تواند چشم‌اندازی دقیق از وضعیت نقد فیلم در ایران ترسیم کند و به ما یادآوری کند وقتی در مورد نقد فیلم و منتقدان سینمایی در ایران صحبت می‌کنیم دقیقاً از چه چیزی یا چه کسانی سخن می‌گوییم. اما واقعیت این است که نقد فیلم در ایران همانطور که در گفت‌وگو با منتقدان بررسی شده هیچ‌وقت وضعیت مطلوبی نداشته و همیشه دچار تلاطم‌های ساختاری و محتوایی بوده. در ادبیات سینمایی ایران هیچ‌وقت مرز مشخصی بین ریویو، نقد و تحلیل سینمایی کشیده نشده و خوانندگان اغلب در تشخیص و مواجهه با نقدهای واقعی با مشکلاتی مواجه بوده‌اند. از طرف دیگر نقد فیلم در ایران اساساً در بستری نه‌چندان درست پا گرفته و خیلی از کسانی که بعداً به عنوان منتقد شناخته شدند در ابتدا هدف و نیتی برای نوشتن نقد فیلم نداشتند. این یکی از نکته‌هایی بود که روز ده‌ای در گفت‌وگو با نگارنده هم بر آن تأکید کرد و بر درستی‌اش صحنه گذاشت. برخی از کسانی که در سال‌های بعد به عنوان منتقد سینمایی فعالیت‌شان را شروع کردند یا با الگوبرداری از نویسندگان قبلی دست به قلم شدند یا به گریه‌برداری از نمونه‌های غربی پرداختند. حتی به نوعی به قدری مغشوش شد که کسانی سال‌ها در مورد فیلم‌ها نوشتند و به عنوان منتقد هم شناخته شدند اما در عمل هیچ‌وقت یک نقد واقعی ننوشتند؛ نقدی که دریچه‌ای به درون دنیا، فیلم، رای خواننده باز کند و از یک اعلام نظر ساده یا قضاوت‌های بی‌پایه و اساس مصون مانده باشد. بگذریم که تعدادی از افرادی که در این کتاب به عنوان منتقد از آنها نام برده شده، در مقطعی به ندرت دست به قلم شده‌اند یا نوشتن را کنار گذاشته‌اند و به دلایلی که در گفت‌وگو به‌شان توضیح داده‌اند وقت‌شان را صرف کارهای دیگری کرده‌اند. در چنین مجالی قرار نیست این مشکلات واکاوی شود و فرق منتقد واقعی با غیرواقعی به صورت صریح و مصداقی بیان شود. این چیزی است که امیدوارم خوانندگان بعد از مطالعه‌ی کتاب بر اساس گفته‌ها و مکتوبات و انتخاب‌های منتقدان به آن دست پیدا کنند.

در گزینش نام‌های حاضر در کتاب به این نکته توجه شده که فرد مورد نظر توانسته باشد در گذر زمان به هویتی نقادانه رسیده باشد. به‌همین دلیل برخی افراد که در مورد سینما نوشته‌اند اما بیشتر به عنوان مؤلف کتاب، مصاحبه‌کننده یا مترجم مطرح شده‌اند در ترکیب نهایی غایب‌اند. در میان نسل جدید منتقدان هم نهایتاً به افرادی بسنده شده که در نیمه‌ی دوم دهه هفتاد نوشتن در مورد سینما را به صورت جدی دنبال کرده‌اند و در زمان انتشار این کتاب حداقل بیشتر از ده سال سابقه‌ی قابل‌اعتنای نقدنویسی داشته‌اند. در میان نسل جدید هم شاید و حتماً منتقدان قابل‌اعتنایی وجود دارند. اما چون اعتبار هر منتقد ربط مستقیمی

به سابقه‌ی نگارش او و دست‌یافتن به حداقلی از مخاطبان دارد، از حضور این افراد در کتاب صرف نظر شده است. مورد خاص کیومرث وجدانی هم با اینکه یکی از چهره‌های برجسته‌ی نقد فیلم در چند دهه‌ی گذشته محسوب می‌شود، اما چون به دلیل مهاجرت به کلی از فضای نقد و فعالیت‌های نگارشی سینما فاصله گرفته و حتی فارسی‌نویسی برایش مشکل شده، نمی‌توانست گزینه‌ی خوبی برای بیان حرف‌های جدید و جدی در چارچوب این کتاب باشد. در یک ساختار دایره‌المعارفی حضور چنین افرادی در ترکیب نهایی اجتناب‌ناپذیر بود. کتاب حاضر اما با چنین هدفی تدوین نشده و بیشتر به دنبال تبدیل شدن به یک تاریخ شفاهی و در عین حال مکتوب نقد فیلم در ایران بوده است. ترسیم این چارچوب‌ها برای کتاب و آبروه شدن نتیجه‌ی نهایی و قابل دفاع بودن آن بدون کمک تعدادی از دوستان و همراهانم از جمله حسین معینی‌نیا، ایثار قنوازی، کریم نیکونظر و حبیبه جعفریان میسر نمی‌شد. در پایان این مجموعه این نکته هم نباید از قلم بیفتد که آنچه در صفحات پیش‌رو مطالعه می‌کنید بخش قابل توجهی از ناعلم نقد سینمایی در سینمای ایران است. با همه‌ی جذابیت‌ها و ویژگی‌هایش. و با همه‌ی کمبودها و نقصان‌هایش.

یحیی نطنزی

تأیستان ۹۴